

و آنگاه که خود را به این گستره آبی رسانیدی
و آنگاه که در کنار این رودخانه ابدی زاینده رسیدی
فقط گوش بسپار:
که ولگا همواره میگوید:
= روسیه!
آری، خود را به این آب زاینده بسپار

روسیه با نام آنها گره خورده است. با وجود این، تنها ولگاست که وظیفه نمایندگی روسیه را به دوش می کشد. حوضه ولگا (شامل کی‌یف، نووگوراد، مسکو، سنت پترزبورگ و غیره) یکی از مهمترین مراکز تقویت کننده فرهنگ روسیه است. رودخانه ولگا (که به نام ایتیل (Итиль)، ایدل (Идель) در نزد ساکنین جنوب شرقی خوانده میشود) در سال های اول قرن بیستم به عنوان یک مرز مشخص برای قومیت های روسی به حساب می آمد. از قرن ها پیش حوادث مهمی (همانند نبرد کولیکف و نبرد یخ) در کنار این رود روی دادند که همگی برای حفاظت از قدرت و تمامیت ارضی ملت روسیه بودند. از قرن شانزدهم حوادثی اتفاق افتاد که از دیدگاه مورخان منجر به سقوط کازان (۱۵۵۲)، آستراخان (۱۵۵۶)، خانات (آخرین سنگرهای اردوی زرین و گروه ترکان و مغولان)، سرکوب شورش سال های ۱۶۷۰-۱۶۷۱ تحت رهبری همچنین برخی ریشه ولگا را به کلمه ВОЛГ

شده است. افسانه های ولگا از نسلی به نسل دیگر منتقل شده اند. ولگا مدت ها است جایگاه خود را در ادبیات روسیه باز کرده است. فرهنگ عامه، آثار نویسندگان، شاعران و هنرمندان به طور گسترده با موضوع مادر ولگا و پرستار ولگا گره خورده است. خلاصه این تصاویر نقش بسته در آثار نویسندگان این است که ولگا برای مردم روسیه خود زندگی است. ولگا در درک هویت مردم روسیه نقش محوری ایفا میکند چرا که هسته و ریشه مردم روسیه به شمار می آید. رودی است که همواره در تحرک و جنب و جوش است و ویژگی های انسانی به آن نسبت داده میشود، به گونه ای که یک فرد ایده آل روسی بایستی با تصویر این رودخانه سازگار باشد. اما چرا ولگا تجسم روسیه است؟ در این کشور رودخانه های بسیار دیگری همچون لنا در سیبری، آب و غیره وجود دارند. رودخانه هایی هستند همچون دن، اورال، کوبان و اوکا که رویدادهای مهم تاریخی

ولگا بزرگترین رود در بخش اروپایی روسیه و بزرگترین رود اروپا است. این رود در تپه والدای (Валдайской возвышенности) در ارتفاع ۲۲۸ متری سرچشمه می گیرد و پس از عبور از بخش میانی روسیه به دریای خزر می رسد. ساکنان اولیه این منطقه - اسلاوها - ولگا را «آب بزرگ» می نامیدند. علت این نامگذاری را می توان در بزرگ بودن رودخانه دانست. هنگامی که به این رودخانه نگاه میکنید به نظر میرسد زمان متوقف میشود. به گفته الکساندر دوما، ولگا ملکه رودخانه های روسیه است، محافظ، پرستار و زاینده است. ولگا منبع تغذیه مردم و مانعی طبیعی بر سر راه دشمنان خارجی بوده است. ولگا مادر است و افزون بر همه این ها مسیر اتصال اروپا و آسیاست. این رود یکی از نمادهای مورد علاقه روس ها است. در آهنگ ها و اشعار مختلف از آن به عنوان «رودخانه مادر» (мать-река)، «مادر جان ولگا» (матушка-Волга) یاد

ولگا

رود بزرگ

هاجر جرست



(وُلگ) به معنای «سفید و نور» که در مجموعه زبان‌های فنلاندی به کار می‌رود مرتبط میدانند. برای مثال کلماتی مانند волгыдо (وُلگیدا) در زبان ماری، کلمه валге (والگه) در زبان استونیایی، валги (والگی) در زبان کارلی و غیره. با وجود مخالفت‌هایی که با این نظریه شده است با توجه به موقعیت جغرافیایی رودخانه و وجود سرچشمه این رود در منطقه شمال و نزدیکی آن به مناطقی که اقوام مرودا و ماری زندگی میکنند یافتن ریشه این نام در این زبان‌ها دور از ذهن نیست.

از طرفی ایده ارتباط احتمالی نام ولگا با زبان‌های بالتیک که شامل زبان‌های لاتوی و لیتوانی می‌شود نیز وجود دارد. و در نهایت بعضی از محققان معتقدند که نام ولگا از طریقی به زبانهای باستانی که در حال حاضر وجود ندارند مرتبط است. با استفاده از این رویکرد، امکان توضیح مبدا اولیه نام ولگا، براساس موقعیت جغرافیایی و خصوصیات رودخانه به خودی خود از بین می‌رود. براساس بعضی تحقیقات حتی اقوام بدوی که در منطقه زندگی می‌کردند و اولگ کی‌یف با آنها جنگید ولگا را ایتیل می‌نامیدند و مقرر پادشاهی آنها در محلی به نام ولگا بود. خزرها در زمان‌های قدیم در این مکان زندگی می‌کردند و قبیله آنها ریشه در ولگارهای بلغار داشت. کلمه «ایتیل» به معنای رودخانه به سبک بلغاری بوده است. در زبان ولگارهای امروزی مانند چوچه‌ها، که در واقع فرزندان بلغارهای باستان هستند کلمه «ایتیل» را به معنای رودخانه به کار می‌برند. در همین راستا عده‌ای نام ولگا را به حماسه ولگا (اشاره به اولگ) و کلمه فنلاندی «valkea» به معنی سفید می‌دانند. اما اکثریت هنوز به همان نظریه «ولگا» به معنای رطوبت معتقدند (چرا که در زبان پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها کلمه «отволгло» (اَتَوُلگلا) به معنای رطوبت وجود دارد).

بنابراین، هنوز هیچ پاسخی برای این سوال که چرا ولگا، «ولگا» نامیده می‌شود پیدا نشده است. احتمالا براساس نوشته «افسانه زمان» تألیف



«تستور»، این نام ریشه در سرچشمه این رود دارد زیرا در آنجا اسلاوها ساکن بودند و این رود را ولگا می‌نامیدند در حالی که در میانه راه، ترکان آن را اتیل می‌نامیدند.

ولگا در افسانه‌های بومی

در ابتدا باید گفت که نام ولگا برای اولین بار در افسانه‌های بومی شنیده شد. سنتی که افسانه‌ها را دهان به دهان و نسل به نسل منتقل میکند، سنتی به سبک فولکلور، داستانی است شفاهی حاوی اطلاعاتی درباره وقایع تاریخی. هنوز ظلم دقیقی برای طبقه‌بندی سنت‌ها وجود ندارد. در میان افسانه‌ها، دو گروه عمده و بزرگ وجود دارند: دسته اول افسانه‌های تاریخی هستند که درباره وقایع تاریخی و شخصیت‌ها سخن می‌گویند و دسته دیگر به بنیاد شهرهای مختلف، در مورد منشا اسامی کوه‌ها، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و غیره می‌پردازند.

داستان مربوط به اعمال و رفتار غول‌ها و به ویژه شخصیت‌بخشی به رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، بدون شک، ریشه در گذشته‌های دور دارند، زمانی که اسطوره‌های بسیاری به دنبال توضیح علت و آغاز پدیده‌های طبیعی بودند. اسطوره‌های باستانی مربوط به رودخانه‌ها به افسانه ولگا و کاما (Káma) می‌رسد: «کاما با ولگا بحث می‌کرد که دیگر نمیخواهد در مسیر او جریان داشته باشد. در ابتدا او جریان آب خود را قطع کرد و نیمی از رودخانه خشک شد. اما دیگر نتوانست بیش از این ادامه دهد، پس رو به شاهین کرد و فریاد برآورد: «ای شاهین، همه جا جار بزن که من سوی دیگری خواهم رفت. من تحت سلطه ولگا هستم بنابراین جای دیگری خواهم رفت».

و این چنین کاما شروع به حفر زمین زیر قدم‌های ولگا میکند. در همان زمان که کاما در حال حفر زمین است شاهین بر فراز ولگا به پرواز در می‌آید و همه چیز را تحت نظر قرار میدهد. اما ناگهان ترسی او را فرامیگیرد و درست بر بالای ولگا فریاد می‌زند. کاما فکر میکند که او به ساحل رسیده است و تلاش می‌کند از زیر زمین خارج شود ولی وقتی سر خود را بیرون می‌آورد می‌بیند که درست در وسط جریان آب ولگا خارج شده است.»

نگاه اجمالی به تصویر رود در ادبیات روسیه

یکی از عناصر طبیعی همیشگی در آثار روسی، عنصر رودخانه است. و نقطه اوج آن را در

آثار لامانوساف مشاهده میشود که وی در قصیده ایی به تمامی رودخانه های بزرگ روسیه (حداقل ۱۲ مورد)، رودخانه های اصلی اروپا و چند رودخانه مهم آسیا و آفریقا اشاره می کند.

البته مهم ترین رود در قصاید روسیه، نوا است. همچون سنت موجود در اروپا رودخانه (که دارای شخصیتی خداگونه است) بخش ضروری برای بیان شکوه پادشاهان و بیان اسطوره وار از اقدامات پادشاهان روسیه و بیان فضای موجود در آن زمان اختصاص پیدا می کرد. شاعر قرن هجدهم دمیترووا در شعر بلندی به نام «به ولگا» که به افتخار «رود بزرگ» سروده است این رود را به عنوان شکوه و عظمت تاریخی روسیه و نماد زیبایی طبیعت روسیه معرفی می کند:

... ای ولگا! ای رود زیبا

ای بزرگ، ملکه، مایه افتخار و شکوه

ای ولگا، تو عظیم و باشکوهی! ...

عده ایی معتقدند اولین شاعر روسی که شعر جداگانه ایی در وصف رود سروده است آپ. سوماروکاف است. او در سال ۱۷۶۰ قصیده ایی به نام «دره ها، ولگا، ...» سرود که در آن به توصیف رود ولگا پرداخته بود. ۳۳ سال بعد این سروده توجه کارامزین را جلب کرد و وی در سال ۱۷۹۳ «ولگا» را سرود و یک سال بعد دیمیتریف با نگاهی به سروده کارامزین شعری به نام «به سوی ولگا» منتشر کرد.

سخن پایانی

مهم نیست ولگا در آینده چه تغییری داشته باشد ولی در همه حال برای مردم روسیه زیبا، باشکوه و اسرارآمیز و برای نویسندگان منبع الهام خواهد ماند.

آثار بسیاری از هنرمندان به زندگی ساکنان اطراف این رود اختصاص یافته است. برای مثال نویسنده شهیر روسیه ماکسیم گورکی که خود در شهری در ساحل این رود به دنیا آمد در اکثر آثار خود زندگی عادی مردم ساحلی رود را توصیف نموده است.

ولگا نه تنها الهام بخش شعرا و نویسندگان است که رودی بسیار جذاب و شگفت انگیز است. ولگا باعث انبساط روح شده به احساسات نهفته در کلام شاعران عمق میبخشد. شاعر معاصر بلاگوف (Благов) در شعر کوتاهی این چنین می گوید:

و هنگامی که خود را به این

گستره آبی رسانیدی

و هنگامی که در کنار این

رودخانه ابدی زاینده رسیدی

فقط گوش بسپار:

که ولگا فقط می گوید:

روسیه!

آری، خود را به این

آب زاینده بسپار

